

متن پرسش

سلام: در متن برهان صدیقین گفته می شود که بر هیچ مقدمه ای استوار نیست، حال این که «کل ما بالعرض لا بد ان ینتهی الا ما بالذات» خود یک مقدمه است. چگونه این توجیه می شود. ضمناً چگونه از محدود بودن یک موجود، بالعرض بودن وجودش نتیجه گرفته می شود؟ آیا ممکن نیست یک وجود مقید، همان وجود مقیدش را از خود داشته باشد؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- این یک امر بدیهی است که هر بالعرضی به بالذاتی ختم می شود ۲- ذات وجود، اگر محدود باشد عیت وجود نیست، بلکه چیزی است خاص، یعنی چیزی هست و چیزی نیست. پس ذات وجود محدود نیست. از طرفی هر وجودی که عین وجود نیست، نمی شود وجودش از خودش باشد چون عین وجود نیست. موفق باشید